

# تجلی قرآن در اشعار دعبل خزائی

علی اکبر حاجیلری\*

## چکیده

این مقاله با موضوع «تجلی قرآن در اشعار دعبل» با مطالعه منابع اصیل از جمله دیوان شاعر، باروش تجزیه و تحلیل و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، ضمن بررسی زندگی نامه شاعر، در صدد تبیین اندیشه‌های قرآنی در قالب شعر است. دعبل خزاعی یکی از بزرگ‌ترین شاعران متعهد شیعه است، که شعر و زندگی خود را وقف دفاع از اهل بیت پیامبر (ص)، گسترش آرمان‌های تشیع و نشر فرهنگ قرآن به زبان شعر و حدیث کرده بود. این مقاله نشان می‌دهد که: محور اندیشه دعبل مهمتی بر مفاهیم برگرفته از قرآن کریم و احادیث شریف نبوی بوده است. کلید واژه‌ها: دعبل خزاعی، شعر، قرآن کریم.

## مقدمه

سپاس و ستایش، مخصوص خداوندی است که راه‌های هدایت و رشد را به روی ما گشود و ما را به نور قرآن راهنمایی فرمود «و در آن هیچ گونه نقص و کجی قرار نداده» (الکھف، ۱۸/۱)، بلکه آن را راست و درست، روشن و آشکارنازل فرمود، «آن چنان که این کتاب نه در زمان نزول و نه بعد از آن هرگز باطل نشود، زیرا از سوی خداوند دانا و ستوده نازل شده است» (فصلت، ۴۱/۴۲).

دعبل خزاعی یکی از بزرگ‌ترین شاعران متعهد شیعه است، که شعر و زندگی خود را وقف دفاع از اهل بیت پیامبر (ص)، گسترش آرمان‌های تشیع و نشر فرهنگ قرآن به زبان شعر و حدیث کرده بود.

این پژوهش درصدد بررسی اشعار شیعی شاعر شهیر شیعه و مضامین عمده آن، و هم‌چنین استشهاد، اقتباس و تأثیرپذیری از آیات و مفاهیم قرآن کریم می‌باشد؛ و نیز به گوشه‌هایی از زندگی این شاعر متعهد پرداخته شده است.

علاوه بر «دیوان شاعر» که منبع اصلی است؛ مهم‌ترین منابع مورد استفاده عبارتند از: «الأغانی»؛ «الغدیر»؛ «تاریخ الشیعة»، و... هم‌چنین از فرهنگ لغت‌هایی چون «لسان العرب» و «لاروس» استفاده شده است.

دعبل در دفاع از حقانیت اهل‌البیت پیامبر (ص)، تلاش می‌کند مبانی عقیدتی و اصول مذهب تشیع را در قالب شعر بیان کند؛ که سرشار از احساس و عاطفه است، با تأثیرگذاری مضاعف، تا برای ره‌پویان اقیانوس ژرف شیعی راهنمایی باشد؛ از آن‌جا که دعبل با سلاح شعر با حُکام جور می‌جنگید، از سویی دیگر، حاکمان ستمگر سعی داشتند، در پس پرده‌های سیاه قدرت رسالت شاعری وی را خدشه‌دار کنند.

سخن آخر این که، گرچه این مقاله از نقصان و کاستی مبرا نیست، لکن وجیزه‌ای است که نمودار تلاش نگارنده است. امید است به مصداق «جهد المقل» مقبول طبع خوانندگان و دانش‌دوستان ادب پرور قرار گیرد و گامی کوچک در عرصه ادب و فرهنگ باشد.

حیات دعبل: دعبل بن علی خزاعی در سال ۱۴۸ هجری قمری در شهر کوفه متولد شد. روز و ماه تولد ایشان مشخص نیست. دعبل از سن نوجوانی سرودن شعر را آغاز

کرد. در اوایل جوانی بود که به درخواست هارون الرشید خلیفه عباسی به دربار او رفت تا شعر بسراید. اما پس از مدتی از دربار هارون الرشید خارج شد.<sup>۱</sup> با وجود هدایای فراوانی که هارون برای دعبل فرستاد، دعبل به دربار باز نگشت. مسیر زندگانی دعبل از این زمان عوض شد. او بیش از گذشته شیفته اهل بیت (ع) شده بود و از این زمان به بعد شروع به سرودن شعر در مدح اهل بیت عصمت (ع) نمود.

ایمان، دانش و زندگانی دعبل: دعبل وجود مقدس امام موسی بن جعفر (ع)، امام رضا (ع)، امام جواد (ع) را درک کرد و به خدمت ایشان رسید. به دلیل شرایط سخت نتوانست خدمت امام علی النقی (ع) برسد ولی شهر سامرا را که امام در آن زندانی بود را سخت نکوهش کرد. زندگی پربرکت دعبل تا زمان امام حسن عسکری (ع) ادامه داشت و او در مدح این امام بزرگوار نیز شعر سروده است.

دانش دعبل: دعبل دانشمندی است که حدود ده نفر از ادیبان و دانشمندان از او روایت کرده‌اند. در کتاب «تأسیس شیعه» دعبل را یکی از بزرگان و علمای کلام و ادیبان و تاریخ‌شناسان توصیف کرده‌اند که در زمینه زبان‌شناسی، فصاحت و تاریخ اعراب ید طولایی داشته است.<sup>۲</sup>

تالیفات دعبل: دعبل در ده‌ها سال ایثار، مبارزه، شکیبایی، اختفا و ظهور - به صورت حمله و گریز به سلاح آتشین شعر - از این فرصت استفاده کرده و چهار کتاب تألیف نموده است. «الواحدة فی المثل العرب و مناقبها»: دعبل در این کتاب سیاست قومی بنی امیه را نکوهش کرده است. «طبقات الشعرا»: این کتاب یکی از مهم‌ترین منابع ادبی می‌باشد، شامل شرح حال شاعران قبل از دعبل است. دعبل در این کتاب شعر و شاعران را می‌ستاید سیزده تن از ادیبان و تاریخ‌نویسان از کتاب طبقات الشعرا دعبل خزایی مطالبی را نقل کرده‌اند. «کتاب وصایا الملوک» این کتاب تاکنون خطی می‌باشد. «دیوان شعر»: این کتاب شامل ده هزار بیت شعر از دعبل است.

زندگانی دعبل: دعبل خزایی در نیمه دوم قرن دوم هجری قمری ازدواج نمود، به طور مخفیانه و محرمانه - به دلیل هجویاتی که در مورد خلفای عباسی سرود - مأمورین خلفای عباسی به دنبال او بودند. - میان شهرها رفت و آمد می‌کرد. دعبل مردی بسیار مهمان‌نواز بود. دعبل سخت تحت تأثیر و رفتار شیوه زندگی خاندان پیامبر (ص) بود. زندگانی دعبل

تقریباً در سطح مرفهی قرار داشت. او در شهرهای کوفه، بغداد و دینور - در غرب ایران - و در یکی از روستاهای اطراف شوش - که محل شهادت او بود - منزل داشت. و مدت کوتاهی فرماندار سمنجان (از شهرهای قدیم خراسان) و همچنین فرماندار شهر اسوان مصر شد، ولی در عین حال بنی عباس و خلفای آن را سخت نکوهش می کرد.

ملاقات دعبل با امام رضا (ع) و خواندن «قصیده مدارس آیات» برای ایشان: دعبل می فرماید: زمانی که قصیده مدارس آیات - قصیده ای است بسیار مشهور و از سروده های دعبل در مدح اهل بیت (ع) که به عقیده بسیاری از ادیبان و شاعران از بهترین نوع مرثیه هایی است که در این زمینه سروده شده است - را سرودم قصد کردم به توس بروم و برای امام رضا (ع) آن را بخوانم. وقتی خدمت امام رسیدم، فرمودند: ای دعبل بخوان، شروع به خواندن قصیده کردم تا این که رسیدم به بیت:

أری فیئهم فی غیرهم متقسما      و أیدیه من فیئهم صفرات<sup>۳</sup>

یعنی: من حق خاندان عصمت (ع) را تقسیم شده نزد دیگران می بینم و دست های ایشان از حق اموالشان کلاً خالی است.

زمانی که حضرت امام رضا (ع) این بیت را شنیدند گریه کردند و فرمودند: «راست گفתי ای دعبل». بیت بعد را برای ایشان خواندم:

إذا تروا مدوا الی واتریهم      أكفا عن الأوتار منقبضات<sup>۴</sup>

یعنی: هنگامی که از سوی کینه توزان به خاندان عترت ستم می شود خاندان عصمت به حقشان نمیرسند.

امام رضا (ع) بعد از این که این بیت را شنید، دست های شریف خود را برگرداند و با اندوه فرمودند: «به خدا سوگند که دست های ما بسته است». دعبل نظر شریف امام رضا (ع) را جلب نمود و امام به دعبل فرمودند: «ای دعبل آیا می توانم دو بیت به اشعار تو اضافه کنم» - به راستی که این دو بیت شعر دعبل را به درجه کمال رسانید - دعبل فرمود: آری، ای پسر رسول خدا. امام دو بیت به همان وزن و قافیه سرود آن دو بیت اینست:

«و قبر بطوس یالها من مصیبة      الحت علی الاحشاء بالزورات»

یعنی: و در شهر طوس قبه ای خواهد بود و مصیبت صاحب آن قبر، آتش آه و حسرت را بر دل ها می افروزد.

«الی الحشر یبعث الله قائما یفرج عنا الهم والکربات»

یعنی: آتش این مصیبت‌ها تا روز قیامت در دل ماست تا روزی که خداوند متعال قائم آل محمد (ص) را ظاهر سازد و ظهورش این هم و غم را زایل سازد در این لحظه دعبل از امام پرسیدند: یا امام رضا (ع) این قبری که فرمودید در طوس است قبر کیست؟ امام رضا (ع) فرمودند: «ای دعبل این قبر من است».

[در طول تاریخ اسلام هیچ شاعری به اندازه دعبل این افتخار نصیبش نشده بود که یکی از ائمه (ع) بیت شعری به اشعار او اضافه نماید.]

دعبل در قسمتی از این قصیده در مورد ظهور ولی عصر (عج) و جدا کردن حق از باطل چند بیتی آورده است. هنگامی که دعبل این ابیات را برای حضرت امام رضا (ع) خواند، امام بسیار گریستند سپس به دعبل فرمودند:

«یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین».

یعنی: ای دعبل خزاعی این جبرئیل بود که این دو بیت را بر زبان تو جاری کرد. در انتهای قصیده «مدارس آیات» دعبل یکی از دعاهای خود را امن و امان بودن بعد از مرگش می‌خواند؛ امام رضا (ع) با شنیدن این بیت به دعبل فرمودند: ای دعبل «خداوند تو را از روز قیامت ایمن گرداند».

هنگامی که دعبل خواندن قصیده را به پایان رساند، حضرت امام رضا (ع) ده هزار سکه رضویّه - که نام مبارک امام رضا (ع) روی آنها نوشته شده بود - همراه دستمال و پیراهن خود را به دعبل هدیه دادند. این قصیده تا به اندازه ای تأثیر گذار بود که حتی مأمون و وزیران او نیز به دعبل هدایایی تقدیم کردند.

پس از مدتی دعبل قصد برگشتن به بغداد را داشت. در شهر قم مردم به استقبال دعبل رفته و ایشان را به مسجد جامع بردند و از دعبل خواستند تا قصیده مدارس آیات را برای آنان بخواند. وی نیز قصیده را برای آنان خواند. مردم هم به عنوان پاداش، هدایایی فراوان به او دادند. با اصرار فراوان پیراهن امام رضا (ع) را از دعبل می‌گیرند و در نهایت آستینی از آن پیراهن مبارک به دعبل می‌رسد.

شهادت دعبل سال ۲۴۶ هجری قمری بود. ۵

دعبل ۹۸ سال از عمر پر برکتش را سپری نموده و هنوز هم همان دلاور پیر بود که با

سلاح آتشین و برنده «شعر» بنی عباس و مزدوران آنها را، می گوید؛ - تاختن دعبل به طاغوتیان عباسی؛ و به عبارت دیگر هجویات دعبل، سبب شهادت او شد. - دعبل، هارون الرشید را «شر الناس» توصیف کرد و سخت به امین و مأمون عباسی تاخت و معتصم عباسی را به شدت نکوهش کرد. یکی از فرمانداران متوکل عباسی، مالک بن طوق فرماندار دمشق بود. دعبل هم متوکل و هم فرمانداران او و هم مالک بن طوق را به سختی نکوهش می کرد. مالک بن طوق برای کشتن دعبل، به شخصی ده هزار درهم و تیری آغشته به زهری کشنده داد. آن شخص شهر به شهر به دنبال دعبل گشت تا ایشان را در خوزستان و در یکی از روستاهای اطراف شوش پیدا کرد. پس از نماز مغرب و عشاء هنگامی که دعبل از مسجد آن روستا خارج می شدند، آن ملعون از کمین خارج شد و تیر را به پای دعبل زد؛ فردای آن روز دعبل به مقام والای شهادت، نائل شد. وصیت نامه ای که دعبل از خود باقی گذاشت سر تا سر معنوی بود. و او حتی وصیت کرد که آستین مبارک پیراهن امام رضا (ع) که نزدیک به ۵۰ سال همراه خود داشت را در کفنش قرار دهند. بعد از وفات دعبل تعدادی از خاندان دعبل ایشان را به خواب می بیند که برای پیامبر (ص) شعر می سرایند؛ و پیامبر نیز پیراهن های سفید به دعبل هدیه می دهند.<sup>۶</sup>

دفن شدن دعبل: برای دعبل خزاعی ۵ قبر ذکر شده بود. آن هم به دلیل این که شیعیان سخت شیفته دعبل و ایثار و مبارزات ایشان بودند و قبر واقعی ایشان که در شوش بود را مخفی نگه داشتند تا مورد توهین بنی عباس قرار نگیرد و این شایعه را پخش کردند که قبر دعبل در خراسان، آفریقا، در شادگان، و بین راه اهواز و آبادان قرار دارد.

#### استشهاد به آیات قرآنی و احادیث نبوی در شعر دعبل

دعبل خزاعی با توجه به آگاهی کامل خود به علوم قرآنی و حدیث، در بسیاری از اشعار خود در مدح ائمه اطهار (ع) خاصه امام علی (ع) و فضایل او و هم چنین برای شایستگی تصدی منصب خلافت، استشهاد می کند. ابیات زیر که در آن به آیه زکات که در شأن امیر مؤمنین (ع) نازل شده است، اشاره می کند:

نطق القرآن بفضل آل محمد  
و ولاية لعلیهم لم تجحد  
بولایة المختار من خیر الوری  
بعد النبی الصادق المتودد

إذ جاءه المسكين حال صلاته فامتدّ طوعاً بالذراع وباليدي<sup>٧</sup>  
دعبل، در ابیات فوق به آیه کریمه «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ  
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (المائدة، ۵۵/۵) اشاره می کند؛ که این آیه کریمه بیانگر  
فضایل امام علی (ع) است، بعد از این که ایشان به هنگام رکوع انگشتی خود را به شخص  
نیازمند و سائل می بخشند، در شأن ایشان نازل شد.

باز ابیات دیگری در شأن و مدح امام علی (ع) با استشهاد به آیات قرآن سروده است:

وَأَيُّ مِنَ الْقُرْآنِ تَتْلَى بِفَضْلِهِ      وَإِثَارُهُ بِالْقَوْتِ فِي اللَّزْبَاتِ<sup>٨</sup>

این بیت اشاره دارد به آیه کریمه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»  
(الانسان، ۸/۷۶) که در شأن امام علی (ع) و خاندانش نازل شده، زمانی که، برای شفای  
فرزندان شان سه روز، روزه نذر کرده بودند، افطار خود را در روز اول به مسکین، در روز  
دوم به یتیم و در روز سوم به اسیر دادند، با وجود این که آن را دوست داشتند، ولی آنها را  
برخود ترجیح دادند.

بیتی دیگر با استشهاد به قرآن کریم:

ذَاكَ الْوَصِيِّ وَصَى أَحْمَدَ وَالَّذِي      نَاجَى الرَّسُولَ وَقَدَّمَ الصَّدَقَاتِ<sup>٩</sup>

امیر مؤمنین (ع) فرمود: در کتاب خدا آیه ای است که قبل و بعد از من کسی بدان عمل نکند؛ و  
آن آیه، به آیه نجوا معروف است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ» (المجادلة، ۱۲/۵۸).  
امام علی (ع) در شأن نزول این آیه می فرماید: مرا دیناری بود که فروختم اش [تبدیلش  
کردم]؛ هر بار که با رسول خدا نجوا می کردم در همی را تصدق می کردم، تا به پایان رسید، و  
آن حکم به آیه بعدی نسخ شد: «أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ» (المجادلة، ۵۸/  
۱۳)؛ جز «علی» کسی توفیق این کار را نیافت، که خداوند فرمود: آیا ترسیدید پیش از  
نجوای تان صدقاتی تقدیم دارید؟ شرح این آیه در بسیاری از تفاسیر اهل سنت آمده است، از  
جمله: طبری؛ میبیدی؛ زمخشری؛ امام فخر رازی و قرطبی همه در بیان آن هم داستان اند.  
علاوه بر استشهاد به آیات قرآنی که نمونه هایی از آن ذکر شد، دعبل در بسیاری از  
موارد برای بیان و اثبات وصایت امیر المؤمنین (ع) به احادیث پیامبر (ص) که بر وصایت ایشان  
دلالت دارد، استشهاد می کند. بنابر این در برخی از اشعار او می بینیم که دعبل، هم به  
حدیث غدیر خم اشاره می کند و هم به حدیث منزلت اشاره دارد.



کهارون من موسی علی رغم معشر      سفال لئام شقق البشرات  
 فقال: ألا من كنت مولاه منكم      فهذا له مولی بعید وفاتی<sup>۱۰</sup>  
 بیت اول به «حدیث منزلت» اشاره می کند که در آن پیامبر (ص) در شأن امیرالمؤمنین  
 علی (ع) فرموده است. «أنت أخی و وارثی و أنت منی بمنزلة هارون من موسی إلا أنه لا نبی  
 بعدی» اگر با بی طرفی حدیث فوق را بررسی کنیم، و از پیش داوری های تعصب آمیز  
 بهانه جویی ها، خود را کنار بزنیم از این حدیث استفاده می کنیم که تمام مناصبی را که هارون  
 نسبت به موسی (ع) در میان بنی اسرائیل به جز نبوت داشت، علی (ع) نسبت به پیامبر (ص)  
 داشته است. از این حدیث استفاده می شود که علی (ع) افضل امت بعد از پیامبر (ص) بود.<sup>۱۱</sup>  
 بیت دوم به «حدیث غدیر خم» اشاره می کند: که پیامبر (ص) به هنگام معرفی وصایت  
 علی (ع) آن را فرموده است: «من كنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من  
 عاداه و...»

اقتباس از آیات قرآن کریم با نگاهی تأویلی و اقتباس از کلمات قرآن در شعر دعبل  
 دعبل بن علی الخزاعی، با توجه به آگاهی کامل خود از مفاهیم آیات قرآن کریم و  
 معانی آن ها، به شیوه های مختلف از آن تأثیر پذیرفته است؛ به نمونه هایی از اشعار ایشان  
 که به آیات قرآن کریم استشهاد کرده بود، پرداخته شد؛ اما دعبل بن علی علاوه بر تأثیرپذیری  
 تأویلی، به صورت دیگر نیز از آیات قرآنی تأثیر پذیرفته است. بر این اساس ایشان در برخی  
 از اشعار خود کل یک آیه قرآن، یا قسمتی از آن را عیناً با تغییری اندک اقتباس می کند. آنچه  
 در ذیل می آید نمونه هایی از آنهاست:

۱. اقتباس از آیات قرآن کریم: دعبل خزاعی در «رائیه» ای که آن را در ذکر مصائب اهل  
 بیت (ع) خاصه امام علی بن موسی الرضا (ع) انشاد کرده است، با اسلوب احتجاج آمیز خود  
 چنین می گوید:

هیئات کل امریء رهن بما کسبت      له یداه، فخذ ما شئت أو فذر<sup>۱۲</sup>  
 دعبل این بیت را عیناً از آیه کریمه: «والذین آمنوا و اتبعتم ذریتهم بإیمان ألحقنا بهم  
 ذریتهم و ما آلتناهم من عملهم من شیء کل امریء بما کسبت رهن» (الطور، ۵۲/۲۱).<sup>۱۳</sup>  
 دعبل در قصیده «نونیه» که آنرا در هجوکمیت بن زید و قومش سروده است:



فلا تنس الخنازير اللواتی مسخن مع القرود الخاسئینا<sup>۱۴</sup>  
ضمن هجو قبيله کمیت ، از آیه کریمه «ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السب فقلنا  
لهم کونوا قردة خاسئین» ؛ (البقرة، ۶۵/۳) اقتباس کرده است . این آیه به روح عصیان گری و  
نافرمانی حاکم بر یهود و علاقه شدید آنها به امور مادی اشاره می کند . «فقلنا لهم کونوا  
قردة خاسئین» کنایه از سرعت عمل است که با یک اشاره و فرمان الهی چهره همه آنان  
دگرگون شد و بوزینه و خوک شدند .<sup>۱۵</sup>

باز دعبل در ابیات پایانی قصیده «نونیه» در دفاع از قوم و قبيله خزاعه که از مشرکان  
مکه آزارهای بسیار دیده بودند ، که به پیامبر (ص) شکوه کردند ، انشاد می کند :  
وبابن السمط منا قد قتلنا      ویشف صدور قوم مؤمنینا<sup>۱۶</sup>  
و یخزهم وینصرکم علیهم      محمد ابن هارون الامینا<sup>۱۷</sup>  
شاعر در این بیت ضمن بیان خواری دشمنانش و پیام فتح و فرج و پیروزی بر آنان و  
شفای دل های مؤمنین ، از آیه کریمه «قاتلوهم یعدّ بهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم  
علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین» (التوبة، ۱۴/۹)<sup>۱۸</sup> استفاده کرده است .

۲ . اقتباس از کلمات و واژگان قرآنی : دعبل خزاعی علاوه بر استشهاد و اقتباس از  
آیات قرآنی ، در بسیاری از موارد با تأثیر پذیری از مضمون و مفهوم آیه کریمه ، از واژه ها یا  
اصطلاحات قرآنی تأثیر پذیرفته است که به نمونه هایی از این تأثیر پذیری اشاره  
می شود ؛ شاعر در قصیده «میمیه» که آن را در مدح امام علی بن ابی طالب (ع) سروده است ،  
با اقتباس از واژگان قرآنی می گوید :

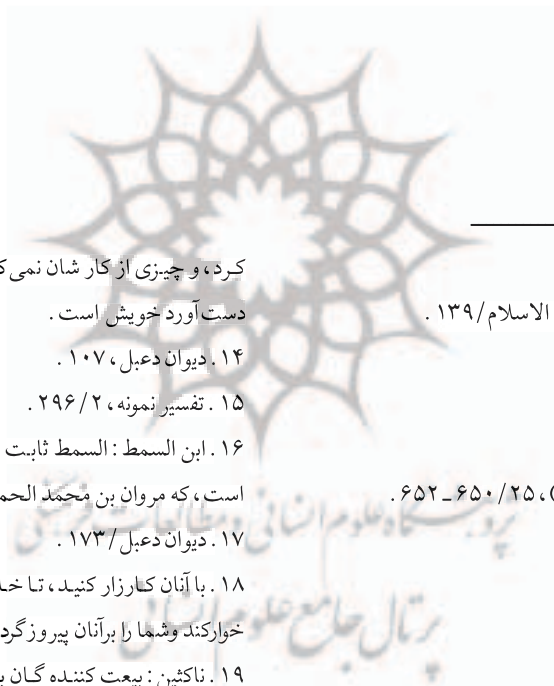
فمن ناکثین ، ومن قاسطین      ومن مارقین ، ومن مجترم<sup>۱۹</sup>  
شاعر در این بیت به فرموده پیامبر (ص) به امام علی (ع) اشاره می کند ، که تو بعد از من  
توسط ناکثین ، قاسطین و مارقین کشته خواهی شد . دعبل از آیه کریمه : «و أمّا القاسطون  
فکانوا لجهنم حطباً» (الجن، ۱۵/۷۲)<sup>۲۰</sup> بهره برده است . ایشان با تأثیر پذیری از مضمون این  
آیه کریمه ، کلمه «قاسطون» را از آن اقتباس کرده است .

دعبل در قصیده ای که آن را در هجو معتصم عباسی انشاد کرده در بیتی ضمن ذم و  
نکوهش وی از مضمون آیه قرآن استفاده کرده است :

ملوک بنی العباس فی الکتب سبعة      ولم تأتنا عن ثامن لهم الکتب

كذلك أهل الكهف في الكهف سبعة كرام إذا عدّوا، وثامنهم كلب<sup>۲۱</sup>  
 شاعر این معنی را از آیه شریفه «و یقولون سبعة و ثامنهم كلبهم» (الکھف، ۱۸/۲۲)، اقتباس  
 کرده است. و همچنین از مضمون آیه شریفه «اولئك كالأنعام بل هم أضل» (الأعراف، ۷/۱۷۹)  
 بهره برده است.

نتیجه: ۱. دعبل خزاعی به مفاهیم و مضامین قرآنی آگاهی کامل داشته، و از راویان  
 حدیث ائمه اطهار(ع) به شمار می آمده است. ۲. محور اندیشه دعبل مبتنی بر مفاهیم بر  
 گرفته از قرآن کریم و احادیث شریف نبوی استوار بوده است.



۱. الغدير، ۲/۳۶۸.
۲. تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام/۱۳۹.
۳. ديوان دعبل/۶۳.
۴. همان/۶۴.
۵. الأغانى، ۲۰/۲۹۴.
۶. عيون أخبار الرضا(ع)، ۲۵/۶۵۰-۶۵۲.
۷. ديوان دعبل، ۸۶.
۸. همان/۵۹.
۹. همان/۷۲.
۱۰. همان/۶۷.
۱۱. تفسير نمونه، ۶/۳۴۹-۳۵۰.
۱۲. چه دور است [نزدیکی انسان شریف و پلید] هر کسی در گرو دستاورد خویش است، پس آنچه می خواهی بر گزین یا در غیر این صورت رها کن. ديوان دعبل/۱۰۷.
۱۳. و کسانی که ایمان آورده اند و فرزندانشان آنان را درایمان پیروی کرده اند، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد، و چیزی از کارشان نمی کاهیم. هر کسی در گرو دست آورد خویش است. ۱۴. ديوان دعبل، ۱۰۷.
۱۵. تفسير نمونه، ۲/۲۹۶.
۱۶. ابن السمط: السمط ثابت بن شرحبيل از قبيله كنده است، که مروان بن محمد الحمار او را به صليب کشيد.
۱۷. ديوان دعبل/۱۷۳.
۱۸. با آنان کارزار کنید، تا خداوند آنها را با دستان شما خوار کند و شما را بر آنان پیروز گرداند.
۱۹. ناکثین: بیعت کننده گان با امام علی(ع) در مدینه و شکننده گان در بصره هستند؛ -طلحه و زبیر-، قاسطین: ستمگران، معاویه و...؛ مارقین: از دین خارج شدگان، خوارج نهران، ديوان دعبل/۱۶۷.
۲۰. ستمگران و منحرفان، همزم جهنم خواهند بود.
۲۱. ديوان دعبل/۴۲.